



گزارشی از کتاب «معالم فی الطريق»^۱

رضا پورعلی سرخه دیزج*

جایگاه کتاب

«معالم فی الطريق» آخرین کتابیست که سید قطب به خاطر آن قلم در دست گرفت. «چراغی بر فراز راه» به قلم حسن اکبری مرزناک و نیز «نشانه های راه» به قلم محمود محمودی از جمله ی ترجمه های «معالم فی الطريق» اند که به ترتیب توسط انتشارات بعثت و احسان به چاپ رسیده اند.

شاید آن موقع که سید از اردوگاه های جمال عبدالناصر دنیا را به نظاره نشسته بود و جهان بینی اسلامی خود را بر روی اوراق به تصویر می کشید، خود نیز نمی دانست که روزی این معالم طریق، نشانه های نصب شده بر جاده عبور سلفی های جهادی باشد، آری کتاب «معالم فی الطريق» مانیفست سلفی های جهادی گردید.

جماعت المسلمین، جماعت جهاد و گروه شباب محمد یا سازمان آزادی بخش اسلامی سه جریان متأثر از افکار سید قطب اند، بگذریم از جریاناتی نظیر قطبیه که آنها نیز با این افکار غرابت ندارند.^۲

روشن است که بخش اعظمی از افکار سید در کتاب «معالم فی الطريق» در حصر کلمات در آمده است، از این رو برآنیم گزارشی مختصر و روان از این کتاب در اختیار مخاطب قرار دهیم.

۱. قطب، سید، معالم فی الطريق، دارالشروق، ریاض، ۱۳۹۹ق-۱۹۷۹م.

* کارشناس ارشد کلام اسلامی (گرایش وهابیت شناسی) و دانش پژوه موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع) و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

۲. لاکروا، ستیفان، زمن الصحوة، ص ۷۵.

سید قطب کیست؟

کشور اهرام ثلاث در سال «۱۹۰۶ق» شاهد تولد فردی بود که در آینده‌ی دینی - سیاسی این کشور بلکه جهان اسلام تاثیر گذار است. او که تحصیلات خود را در مدرسه دولتی آغاز نمود، قبل از اتمام ده سالگی موفق به حفظ کلام الله مجید گردید. سید قطب بعد از فراغت از تحصیل در سال «۱۹۳۳م»، به مدت شانزده سال در وزارت معارف عمومی مصر اشتغال یافت.

وی در کنار اشتغال و تدریس از نبوغ ادبی خود نیز غافل نبود. بچه‌ی دهکده، رویاهای چهارگانه و خارها از جمله‌ی آثار او در این حوزه است. از سال «۱۹۴۵ق» مقالات او رنگ ادبی خود را باخته و به سمت ناسیونالیست و طرح حوادث سیاسی و مسائل اجتماعی تمایل یافت. ملک فاروق که از قلم ادبی آمیخته با سیاست سید واهمه داشت، در سال «۱۹۴۸م» او را با کمال احترام به آمریکا تبعید نمود.

تصور می‌رفت فضای سیاسی - اجتماعی آمریکا به مذاق سید خوش آمده و او در حالی که هنوز شیرینی آن فضا را در دهان دارد، به مصر برگردد. اما از آنجا که امور همیشه طبق تصورات افرادی نظیر ملک فاروق پیش نمی‌رود، او در این کشور به جای انس با فرهنگ آمریکایی با فرهنگ اسلامی و سپس اخوان المسلمین انس گرفت. وی پس از بازگشت از آمریکا در سال «۱۹۵۱م» به گونه‌ای جامعه این کشور را در مسیر باد انتقاد قرار داد که مجبور به استعفا از وزارت معارف مصر گشت.

این استعفا شروع استحکام روابط سید قطب با سازمان اخوان المسلمین بود که نهایتاً به عضویت او در این سازمان در سال «۱۹۵۱م» منجر گردید، او می‌گوید: «من در سال ۱۹۵۱ متولد شدم».

مدتی پس از حضور فعال او در سازمان اخوان، وی در سال «۱۹۵۴م» به دلیل حمایت از هضیبی در کشاکش اخوان با افسران آزاد، راهی زندان شد و سه ماه اول سال را در آن گذراند. در پی ترور نافرجام جمال عبدالناصر توسط محمود عبداللطیف از اعضای اخوان المسلمین، سید باردیگر دستگیر و پس از محاکمه‌ای مضحک در سال «۱۹۵۵م»

به بیست و پنج سال زندان همراه با اعمال شاقه محکوم گشت. شرایط زندان به او اجازه نوشتن می داد از این رو کتاب «فی ظلال القرآن»، «معالم فی الطريق» و چندین اثر دیگر را بر روی کاغذ نمایان نمود. هرچند او در سال «۱۹۶۴م» از زندان آزاد گشت اما این آزادی عمر زیادی نداشت و در سال «۱۹۶۵م» بار دیگر به توطئه علیه جمال متهم گردیده و پس از محاکمه‌ای کوتاه به اعدام محکوم گشت. سید در «۲۹ اوت ۱۹۶۶م» به دار آویخته شد.^۱

ساختار کتاب

«معالم فی الطريق» مشتمل بر یک مقدمه و دوازده فصل است. مقدمه‌ی کتاب به برتری نظام اسلام بر نظام‌های جمع‌گرایی غرب و شرق در بعد فکری تاکید دارد. در فصل اول، جامعه و نسل صحابه، نسل الگو و جامعه هدف معرفی گشته و علل عقب‌ماندگی نسل‌های بعدی اسلام از نسل اول موضوع فصل قرار گرفته است. در فصل دوم، مصنف به تبیین طبیعت برنامه قرآنی برای تربیت نسل‌ها پرداخته است. ساختار و ویژگی‌های جامعه اسلامی عنوان فصل سوم از کتاب است، مصنف بر این باور است که جامعه اسلامی باید بر اساس اعتقاد توحیدی پایه‌گذاری شود. در فصل چهارم بحث درباره جهاد و جایگاه آن در اسلام است، این فصل به دلیل توجه سلفیه جهادی به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فصل بعدی به دنبال پیاده‌سازی توحید در تمام امورات زندگی بشریست. فصل ششم، عمل به شریعت را هماهنگ شدن با حرکت جهانی و موجب به کارگیری تمام پتانسیل جهان آفرینش در مسیر تکامل انسان دانسته است.

اسلام تمدن است و علم و فرهنگ در بینش اسلامی نیز به ترتیب عناوین فصل‌های هفتم و هشتم را به خود اختصاص داده‌اند. تقسیم جوامع به دارالحرب و دارالاسلام در فصل نهم کتاب صورت گرفته است. عبور از جاهلیت و کیفیت عبور نیز موضوع فصل دهم کتاب است. احساس استعلاء و برتری فرد مومن در برابر مظاهر جاهلی مورد تاکید

۱. ر.ک: کوپل، ژیل، پیامبر و فرعون، ص ۳۵؛ «نگارنده تمام مطالب این قسمت از گزارش را از کتاب «پیامبر و فرعون» اقتباس نموده و به قلم خویش به رشته تحریر درآورده است».

فصل یازدهم بوده و ایمان پیروز واقعی در میدان نبرد ایمان و طغیان نیز محور بحث فصل آخر کتاب است.

مروری بر کتاب

مقدمه

مصنف پیشرفت های مادی بلوک غرب و شرق بعد از قرن شانزدهم میلادی را به دلیل نداشتن پشتوانه فکری صحیح و قابل اعتماد، فاقد ثمره ارزشی می داند. به اعتقاد او تنها نظام فکری که قدرت ابقاء و اعتلای این یافته های مادی را داشته و در کنار آن می تواند ارزش هایی برای جامعه بشریت به بار آورد، نظام فکری اسلام است.

مصنف، تفوق نظام اسلامی بر نظام های جمع گرای غرب و شرق در بعد مادی را زمان بر دانسته و معتقد است آن چیزی که می تواند نظام اسلامی را بر دیگر نظام ها تفوق بخشد بعد فکری و اعتقادی این نظام است. به اعتقاد او امروزه جهان در جاهلیتی مدرن فرو رفته است، چرا که بشریت بر فرمانروایی خداوند متعال تعرض نمود و به اطاعت و به تبع آن عبادت نظام های جمع گرای غرب و شرق پرداخته است.

سید قطب، فرایند باز آفرینی اسلامی را نیازمند جماعتی پیشرو می داند، جماعتی که در این راه تعاملات و تقابلاتی با جوامع جاهلی داشته باشد، قطعا چنین چیزی بدون نشانه و راهنما امکان پذیر نخواهد بود، او کتاب «معالم فی الطريق» یا «نشانه های راه» را در همین راستا نگاشته است.

۱. یک نسل بی نظیر قرآنی

مصنف در این فصل، جامعه و نسل صحابه را به عنوان نسل الگو و جامعه هدف قرار داده و به بحث در باره علل انحطاط نسل های بعدی و عقب ماندگی آنان از نسل اول اسلام پرداخته است، او در این خصوص به عواملی اشاره دارد که عبارتند از:

الف. بر خلاف نسل های بعدی، قرآن تنها سرچشمه معارف نسل اول بوده و آنان به هیچ وجه متأثر از افکار و اندیشه های اطرافیان خود نبوده اند.

ب. هدف نسل اول از یادگیری قرآن فقط عمل بود و نه علم آموزی و نظایر آن که در نسل‌های دیگر رونق داشت.

ج. صحابه هرچند بی‌تعامل با مشرکین نبودند، اما خود را از فرهنگ جاهلی قبل از اسلام رها نیده و تابع محض فرهنگ اسلام و دستورات آن ساختند. از آنجایی که جاهلیت حاکم بر عصر ما شدیدتر از جاهلیت حاکم بر روزگار صحابه است، از این رو جهت رسیدن به جامعه الگو و هدف باید با تمام مظاهر جاهلی عصر حاضر بیگانه شویم.^۱

سید قطب با اشاره به این که تنها تفاوت موجود میان نسل اول اسلام و نسل‌های بعدی، فقدان نبی اکرم ﷺ است، خاطر نشان می‌سازد: نبود ایشان نمی‌تواند موجب انحطاط و عقب افتادگی نسل‌های بعدی از نسل اول باشد، چرا که در این صورت خداوند متعال او را خاتم انبیاء قرار نمی‌داد. وی علت انحطاط را تاثیرپذیری نسل‌های بعدی از افکار و اندیشه فلاسفه یونان، اساطیر ایران و... دانسته است در حالی که قرآن تنها سرچشمه‌ایست که نسل اول از آن سیراب می‌گشت.^۲

۱. باید توجه داشت که: هرچند صحابی بودن و معاصرت با نبی اکرم ﷺ و بهرمندی از وجود ایشان، نعمت و امتیاز ویژه‌ایست، اما باید توجه داشت که جامعه و نسل صحابه به صورت مطلق جامعه هدف و نسل الگو نیست. سید غافل از این است که در آن عصر نیز خطا و اشتباه و تخلف از دستور الهی وجود داشت و بودند افرادی که دوچار انحراف می‌شدند با اینکه توفیق صحبت را نیز دارا بودند. صحیح این است که تعداد خاصی از صحابه زندگی خود را کاملاً بر مبنای اسلام بنا نهاده بودند و همین تعداد خاص باید به عنوان نسل الگو مطرح گردد و جامعه آنان با عنوان جامعه‌ای در درون جامعه صحابه، جامعه هدف گردد.

۲. به عقیده نگارنده یکی از اساسی‌ترین علل انحطاط و عقب افتادگی نسل‌های بعدی و حتی خود صحابه از نسل برتر صحابه، همان چیزی است که سید به خاطر خاتمیت نبوت آن را نپذیرفت، آری درست است که پیامبر اسلام ﷺ خاتم انبیاست، اما در بینش صحیح اسلامی اهل بیت ﷺ بخصوص امامان معصوم ادامه دهنده راه ایشان بوده و نقش ایشان را ایفا می‌کنند، از این رو کسانی از صحابه و دیگر نسل‌ها که بعد از نبی اکرم ﷺ، «ائمه اثنا عشر» را برگزیدند، متفاوت با نسل‌های دیگرند و اساساً باید انحطاط و عقب افتادگی امت اسلام را در افتراق و جدایی آنان از خاندان عصمت و طهارت ﷺ جست و جو کرد، با این جدایست که حتی قرآن هم که یکی از دو سرچشمه اصلی معارف اسلام است، آنگونه که باید تفسیر نمی‌شود.

سخن دیگر اینکه چگونه می‌توان روزگاری را که مردمان آن اسلام را پذیرفته و شهادت قلبی و لسانی خود را ابراز داشته‌اند، جاهل‌تر از روزگار قبل از اسلام دانست؟ روزگاری که اهل آن نه تنها اصل اسلام را قبول نداشتند بلکه با تمام قوا به مبارزه با آن می‌پرداختند، روزگاری که مردمان به جای شهادتین، به بت‌ها سجده کرده و آنان را صاحب اختیار می‌دانستند، روزگاری که زنده به گور کردن دختران سنت حسنه محسوب می‌گشت. آیا با صرف اینکه احکام جامعه‌ای اسلامی نیست، آن جامعه محکوم به جهالتی شدیدتر از جهالت قبل از اسلام است و مردم مسلمان آن در جهالتی شدیدتر از مشترکین قبل از اسلام به سر می‌برند؟! بله سید در مقایسه جهالت عصر حاضر با جهالت قبل از اسلام نیز به خطا رفته است.

۲. طبیعت برنامه قرآنی

طبیعت برنامه قرآنی موضوع بحث مولف در این فصل کتاب است. به عقیده او اصرار سیزده ساله قرآن مکی بر مساله عقیده و تبیین مفهوم «لا اله الا الله» و نیز تحکیم آن در قلوب مومنین نشان از این واقعیت دارد که، در برنامه اسلام و به تبع آن برنامه قرآن نخستین قدم در مسیر هدایت التزام اعتقادی است.

وی با بیان این که پیامبر اسلام ﷺ با روش‌های دیگری نظیر اصلاح اخلاقی، تحریک حس ناسیونالیستی عرب و... توان بسترسازی برای اسلام را دارا بوده، اما در عین حال در قدم اول به تقویت اعتقاد مردم در حوزه الوهیت و عبودیت بر محور «لا اله الا الله» روی آورده است، به این نتیجه می‌رسد که: تنهاترین راه برای ایجاد جامعه دینی و اسلامی تبیین مفهوم «لا اله الا الله» و ایجاد التزام قلبی به آن است.

سید قطب با استفاده از عبارت «لا اله الا الله» حاکمیت و شریعت را مختص خداوند متعال دانسته و بر این باور است که، قوانین اسلامی در مرحله دوم قرار دارد و اجرای کامل و صحیح آن منوط به اجرای مرحله اول یعنی التزام قلبی در حوزه الوهیت و عبودیت است.

وی التزام قلبی را یک برنامه تئوریک صرف ندانسته و معتقد است که، اسلام با سرمایه‌گذاری بر روی فطرت انسان‌ها به دنبال تحقق آن در میدان عمل و مبارزه با جاهلیت است. او با استناد به آیه‌ی «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنُزِّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»^۱ به این نتیجه می‌رسد که: اسلام در کنار ساختن عقیده به دنبال ساختن امت است و نباید حقیقت دین را از برنامه عملی آن جدا کرد.

به اعتقاد مصنف، اسلام در کنار تغییر عقیده و واقع زندگی به دنبال تغییر برداشت‌ها از واقع نیز است، چرا که اگر بخواهیم دین را با یک طرز فکر بیگانه با طبیعت آن و از شمار طرز فکرهای جاهلی حاکم، در یابیم، او را از انجام وظیفه‌ای که به خاطر ادا کردن آن آمده است، باز داشته‌ایم.

۱. سوره اسراء، آیه ۱۰۶.

۳. ساختار و ویژگی‌های جامعه اسلامی

مصنف آشنا گشتن مردم با پروردگار یکتا و عبادت خالصانه او و نیز نفی ربوبیت از غیر ایشان را تنها هدف انبیاء دانسته است. به اعتقاد او شرک در این حوزه هم می‌تواند با عبادت غیر خدا صورت پذیرد و هم با قبول حاکمیت غیر او و تاثیر پذیری از دیگر نظام‌های حکومتی غیر از اسلام.

به اعتقاد سید قطب، فردی که اسلام و اساس آن یعنی عقیده به صورت تئوریک به او عرضه گشته و او به نظامی غیر از نظام اسلام تن داده و در این راه حرکت می‌کند، یک مسلمان تئوریک بوده و در واقع چیزی را پرورانده و رشد داده است که در درون خود مخالف با آن است.

مصنف معتقد است، مسلمانان نخستین به اسلام تئوریک اکتفا نکرده و عقیده خود را در عمل نیز نمایان کردند، لذا جامعه و تجمعی را به وجود آوردند که بر مبنای عقیده شکل گرفته بود و بر تمامی جوامع بشری برتری داشت، جامعه‌ای که اعضای آن از اکثر نقاط عالم اعم از ایران و آفریقا و... گرد هم آمده بودند. بنابراین عرضه آموزه‌های اسلام حتی مساله توحید و عقیده به صورت تئوری صرف مطلوب نبوده و باید بر اساس اعتقاد توحیدی جامعه و تجمع صورت پذیرد.

۴. جهاد در راه خدا

مصنف در این فصل با الهام از ابن قیم جوزی و با استناد به آیات اول سوره براءت و نحوه جهاد با مشرکین به بیان نکات زیر می‌پردازد:

الف. دین اسلام در برخورد با سلطه مادی به روشنگری صرف اکتفا نکرده و در برخورد با دل و درون انسانها نیز به قهر و اجبار متوسل نشده است.

ب. اسلام دینی واقع مدار بوده و بر اساس واقعیت‌های موجود مراحلی را برای جهاد تبیین نموده است، بنابراین نه استفاده تئوریک از آیات جهاد بدون در نظر گرفتن واقعیت‌ها درست است و نه استناد به وقایع خارجی بدون توجه به آیات جهاد. اسلام با توجه به دو عامل مذکور به دنبال رفع موانع گرایش اختیاری مردم به دین و اساس آن

یعنی عقیده است.

ج. باید توجه داشت که تمام حرکتهای دین در هر دوره و زمانی و به هر شکل و صورتی که باشد بر محور عبودیت و الوهیت دور می زند.

د. طبق رسالت پیامبر اسلام ﷺ، مردم جهان یا باید در مقابل خداوند متعال سر تسلیم فرود آورند و یا در این راستا موضعی مسالمت جو اخذ نمایند. روشن است که بدون تکیه‌ی توانان به روشنگری و جهاد چنین چیزی محقق نخواهد شد.

به اعتقاد مصنف، اسلام عبودیت را فقط در مقابل خداوند متعال جایز دانسته و عبودیت بندگان برای نظایر خود را بر نمی تابد، از این رو ابتدا تمام حکومت‌های بشری را از بین برداشته و سپس با روشنگری مردم را به پرستش آزادانه خداوند یکتا می خواند. البته این بدان معنا نیست که افراد می توانند با اختیار خویش حکومتی غیر از حکومت اسلامی و الهی را برگزینند، حکومتی که در آن برخی از بندگان بر برخی دیگر حکم رانده و به عبارت دقیق تر خدایی می کنند.

وی بر این باور است که: اسلام به دنبال آزادی تمام بشریت است از این رو جهاد امری اجتناب ناپذیر است، اینکه می گویند اسلام طرفدار صلح است مراد صلحی است که در سایه آن تمام عبودیت‌ها به خداوند متعال اختصاص داشته باشد.

ایشان با استناد به آیه‌ی ﴿أَذِّنْ لِلَّذِينَ يَمُنُونَ بِآثَانِهِمْ ظُلُمًا...﴾^۱، خاطرنشان می سازد که: از همان روزهای نخستین دعوت پیامبر اسلام ﷺ مبارزه با این دعوت وجود داشته است، او معتقد است: بر اساس آیه مذکور تا زمانی که دشمنی‌ها وجود داشته باشد باید به مبارزه با آنها پرداخت، از این رو جهاد تا وقتی که دین همه‌اش برای خداوند باشد متوقف نخواهد شد.^۲

به اعتقاد سید، از صلح و مدارای پیامبر اسلام ﷺ و اصحاب بزرگوار ایشان با

۱. حج: ۳۹-۴۰.

۲. صدور چنین احکام مطلق در باره جهاد از سوی افرادی نظیر سید قطب، سبب گشته است تا گروه‌هایی از سلفیه که نام مقدس جهاد را با خود دیدک کشیده و خود را سلفیه جهادی می نامند، با کج فهمی لبه تیز شمشیر تکفیر را به سوی مسلمانان گرفته و با جهاد علیه آنان در صدد اختصاص تمام دین به خداوند متعال باشند.

مشرکان و اهل کتاب در اوایل دعوت اسلام در مکه و مدینه نمی توان به این نتیجه رسید که اسلام طرفدار جهاد دفاعی است، چرا که در آن دوران یا مانعی برای آزادی بشر از عبودیت غیر خدا از سوی مشرکان و اهل کتاب وجود نداشت و یا جهاد رافع این مانع نبود و نیاز به طرقی مسالمت آمیز بود.

او در پایان اینگونه باور و اعتقاد خود را ابراز می نماید: با توجه به آیاتی نظیر «قُلْ لِلَّهِ كَفَرُوا...»^۱، «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ...»^۲ و... می توان دریافت که رهایی انسان ها از عبودیت بندگان و جایگزینی عبودیت خداوند متعال، برای توجیه جهاد کافیست. طبیعت اسلام به گونه ایست که برای رهایی مردم جهان از عبودیت غیر خدا رو به جلو حرکت کرده و هیچ گاه اکتفا به مرزبندی های جغرافیایی نخواهد کرد، از این رو اگر قدرت های مخالف اسلام به فکر هجوم هم نباشند، اسلام با آنان سازش نخواهد نمود، مگر اینکه با پرداخت جزیه حاکمیت اسلام پذیرفته و درهای خود را به روی اسلام بگشایند.^۳

۵. لا اله الا الله برنامه زندگی است

مصنف در این فصل اولین ویژگی طبیعت جامعه اسلامی را تنظیم تمام امور جامعه بر اساس قاعده عبودیت محض خداوند متعال می داند، عبودیتی که به وسیله اقرار به «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» تجسم و کیفیت می یابد. به اعتقاد وی، در جامعه اسلامی بینش ها و اعتقادات، شعائر دینی و شرائع قانونی همه و همه از قاعده عبودیت محض خداوند متعال نشأت می گیرد.

سید قطب شکل گیری جامعه اسلامی را منوط به این می داند که جماعت یا گروهی به پا خواسته و در تمامی امورات زندگی خود اعم از بینش و اعتقاد، شعائر دینی و نظام و

۱. انفال: ۳۸-۴۰.

۲. توبه: ۳۲-۲۹.

۳. «تمرکز بر آیات قتال، عدم توجه به آیات صلح و همزیستی و نیز سیره علمی پیامبر اسلام ﷺ، سبب گشته تا افرادی نظیر سید قطب، سیاست اسلام نسبت به پیروان سایر ادیان را سیاستی خشن معرفی کرده و آن را بر جنگ استوار سازند، این در حالی است که از نظر اسلام اصل در تعامل با غیر مسلمانان بر صلح و همزیستی بوده و دین اسلام منادی همزیستی مذهبی با پیروان سایر ادیان است»؛ ر.ک: امینی، محمد امین، «اصل همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان در اسلام»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال بیستم، ش ۱۶۵، ص ۴۹-۳۷.

قوانین عبودیت غیر خدا را کنار بگذارند. روشن است که این جامعه زمانی استقرار می یابد که قدرت مقابله و یا حداقل مقاومت در برابر جامعه جاهلی را داشته باشد. او معتقد است، هر جامعه‌ای که در آن افراد در تمامی امورات مذکور عبودیت غیر خدا را کنار نگذارند، جامعه جاهلی بوده و اسلامی بودن آن مردود است.^۱

۶. شریعتی هماهنگ با جهان هستی

به عقیده مصنف خداوند متعال جهان هستی را بر اساس قانون و نظم خاصی آفریده و به حرکت درآورده است، او معتقد است بعد جسمانی انسان نیز تحت الشعاع این قانون قرار داشته و از آن استثنا نیست.

مصنف شریعت را که جهت هماهنگی بعد ارادی انسان با بعد فطری او وضع شده است، نیز بخشی از این قانون حاکم بر کل هستی می داند، بنابراین هر امر و نهی که از جانب خداوند متعال متوجه انسان می شود در راستای حرکت کلی جهان آفرینش است. سید قطب خاطر نشان می شود که انسان غافل از قانون حاکم بر بعد جسمانی‌اش چگونه می تواند برای خویش قوانینی وضع کند که با حرکت کلی جهان همانگ باشد. به اعتقاد او عمل کردن به شریعت جهت هماهنگ شدن با حرکت جهانی واجب است.

مصنف معتقد است در اثر عمل به شریعت، همانگی با قانون حاکم بر کل جهان هستی صورت پذیرفته و به تبع آن بین بعد ارادی و بعد فطری او نیز هماهنگی صورت می

۱. «واقعیت این است که بر اساس شواهد روایی و تاریخی، پس از رحلت پیامبر ﷺ باورها و اخلاق دوران قبل از بعثت، بار دیگر با لباسی نو، ظهور کرد و به تدریج بر فرهنگ اسلامی امت پیامبر چیره شد. سؤال این است که بازگشت به دوران جاهلیت چرا و چگونه اتفاق افتاد؟ با نگاهی تحلیلی به تاریخ به دست می آید که این روند در گام نخست با ابراز مخالفت نسبت به احکام صادره از سوی رسول خدا ﷺ آغاز شد و سپس با انکار مساله جانشینی منتصب الهی پس از رسول خدا ﷺ - که منجر به روی کار آمدن حاکمان غیر اسلامی گردید - دنبال شد.

رفتہ رفته لغزش خواص به سمت دنیاگرایی و ارزش گریزی، وسعت و عمق یافت تا اینکه این لغزش به سمت دنیاگرایی و عبور از ارزش ها به توده مردم منتقل گردید. در ادامه همین روند بود که نسبت به اجرای حدود الهی، تقسیم عادلانه بیت المال، مبارزه با اشرافی گری و تکلیف خود در مورد خطر نفوذ عناصر غیر خودی و دشمنان تقابدار در بدنه حاکمیت جامعه اسلامی تساهل نمودند. اما در مجموع باید گفت که ماهیت جاهلیت، ریشه در عصیانگری از رهبران آسمانی دارد؛ یعنی اگر جامعه، نسبت به مفهوم امامت، معرفت داشته باشد و در تشخیص مصداق آن دچار اشتباه نشود و در تبعیت از امام، ثابت قدم باشد، هرگز گرفتار جاهلیت نخواهد شد؛ ر.ک: سلیمانی، جواد، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر ﷺ»، فصل نامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۸۵.

پذیرد و به هیچ وجه بین آن دو نزاعی به وجود نخواهد آمد. او نشاط عام انسانی را نیز نتیجه عمل به شریعت می داند چرا که در این صورت تمام انسان ها بر اساس قانونی واحد حرکت دارند.

سید قطب ثمره عمل به شریعت را اخروی صرف ندانسته و باور دارد که عمل به آن موجب می شود تا تمام پتانسیل موجود در جهان هستی در مسیر تکامل انسان قرار گیرد همانطور که دوری از شریعت ان ظرفیت ها را در تقابل با انسان قرار می دهد.

۷. اسلام تمدن است

مصنف در این فصل به بحث در باره مفهوم تمدن پرداخته و معتقد است تمام جوامع جاهلی، جوامع عقب افتاده اند، چرا که تمدن چیزی جز آزادی بشر بر مبنای کرامت انسانی نیست و در چنین جوامعی افراد بندگان یک دیگراند.

به عقیده او در جامعه اسلامی یا متمدن عامل تجمع افراد امری اختیاریست بر خلاف جوامع جاهلی که در آن افراد بر اساس عواملی چون رنگ و قوم و... گرد هم می آیند.

سید قطب در توضیح عقب افتادگی جوامع جاهلی به فراگیر بودن عامل تجمع افراد در جامعه اسلامی اشاره کرده و می نویسد: «عقیده عاملی است که سبب می شود نژادها و گروه های مختلف بشریت اقدام به تشکیل جامعه ای واحد نمایند به خلاف جوامع جاهلی که چنین قابلیت ندارند». او همچنین صعود انسان از حیوانیت به انسانیت را یکی دیگر از نشانه های تمدن جامعه اسلامی می داند.

مصنف اهتمام به خانواده و واگذاری تربیت فرزندان به مادران را نیز از دیگر نشانه های تمدن جامعه اسلامی دانسته است، او معتقد است نشأت و تکوین جامعه اسلامی به سبب عاملی بیرون از محیط انسان و حتی جهان ماده است، جامعه اسلامی بر محوریت عقیده شکل می گیرد و همین ویژگی آن را از جوامع جاهلی جدا می سازد.

۸. علم و فرهنگ در بینش اسلامی

سید قطب در این فصل به بحث در باره علم آموزی و مصادر آن پرداخته است، به عقیده

او علوم مادی صرف نظیر علم شیمی، پزشکی و... را در صورت نبود مصادر اسلامی می توان از مصادر غربی اخذ نمود، اما علمی که به هر نحوی از امکان ارتباط با عالم ماوراء ماده داشته و به نوعی ارتباط با حوزه دین دارند، فقط باید از منابع اسلامی اخذ کرد. او با بیانی تند مخاطبان خود را از سایه های فلسفی علوم مادی صرف نیز برحذر می دارد، چر که به اعتقاد او این سایه ها در اساس با بینش دینی به طور عام و با بینش اسلامی به طور خاص دشمنی دارند و هر مقدار از آنها برای زهرآلود کردن سرچشمه زلال اسلامی کافی است.

۹. نژاد مسلمان و عقیده او

مؤلف در این فصل با تقسیم جوامع به دارالاسلام و دارالحرب، دارالاسلام را جامعه ای می داند که تمامی امورات آن اعم از بینش، شعائر و قوانین بر پایه اسلام شکل گرفته باشد. به اعتقاد او وظیفه مسلمانان در قبال دارالحرب یا جهاد است و یا صلح بر اساس معاهده.

مصنف نژاد مسلمانان را نژاد عقیدتی دانسته و معتقد است در دارالاسلام روابط و خویشاوندی ها بر اساس عقیده تعریف می شوند. به عقیده او وطن فرد مسلمان را خاک تمایز نمی دهد بلکه وطن او دارالاسلام است جایی که در آن رکن اسلام و عقیده حاکم بوده و تنها شریعت اسلامی به اجرا درآورده شود.

سید قطب جهاد و مبارزه با دارالحرب را وظیفه هر مسلمان می داند حتی اگر دارالحرب وطن مسلمان بوده و جایی باشد که او در آنجا رشد کرده است و در آنجا صاحب منافع است.

او نژاد امت اسلام را عقیده و وطن آن را دارالاسلام و فرمانروایشان را خداوند متعال و قانون اساسی آن را قرآن کریم می داند.

۱۰. یک انتقال دامنه دار و فراگیر

به اعتقاد مصنف، اسلام با جاهلیت اختلاف بنیادی داشته و به هیچ وجه قابل اندماج نیست، او اسلام را مترتب کردن کل زندگی بر مبای عقیده می داند و این با جاهلیت کمال

تقابل را داراست. سید قطب معتقد است غیر از اسلام و جاهلیت شق سومی وجود ندارد لذا یا اسلام است و یا جاهلیت، از این رو نمی توان نیمی از برنامه زندگی انسان را از اسلام گرفت و نیمی دیگر را از جاهلیت و اساسا چنین کاری نوعی از شرک است. اما وی اشاره ندارد که مرادش از شرک در اینجا چیست، آیا او شرک جلی و مخرج از ملت را اراده کرده است یا شرک خفی را؟ به عبارت دیگر اندماج جاهلیت با اسلام موجب خروج از دایره اسلام و اردن داد است و یا فقط شرک خفی محسوب گشته و با کمال توحید و خلوص آن منافات دارد؟

سید قطب عبور از جاهلیت را با ایجاد تغییرات جزئی در جزئیات نظام ها امکان پذیر ندانسته و معتقد است چنین چیزی بدون انتقال فراگیر و دامنه دار صورت نمی گیرد، انتقالی که در آن از برنامه خلق به برنامه خالق و از نظام های بشر به نظام پروردگار بشر و از احکام بندگان به احکام پروردگار روی آورده شود.

۱۱. استعلاء ایمان

مصنف با استناد به آیه ی ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱ به این نتیجه می رسد که: انسان مومن باید همیشه احساس برتری و استعلاء در برابر مظاهر جاهلی داشته باشد حتی اگر آن مظاهر مورد قبول و رضایت مردم واقع شود، او ثبات در جهاد را یکی از مصادیق این احساس استعلاء می داند.

به اعتقاد او این احساس برتری یک احساس صرف نیست بلکه پشتوانه ای از حقیقت دارد، انسان با ایمان در تمام جهات اعم از اخلاق، نظام حاکم بر زندگی و... خود را برتر می داند، چرا که تمام امورات او از عقیده توحیدی منشعب شده و متصل به منبع فیض است. او می نویسد: «مومن ارزشها و بینشها و معیارهایش را از مردم نمی گیرد تا از ارزیابی های مردم متأثر گردد، بلکه او آنها را از پروردگار مردم اخذ کرده و خداوند پروردگار برایش کافیهست. او آنها را از شهوات و هوس های مردم نگرفته است تا به شهوات مردم گرایش پیدا کند. او آنها را از میزان حق ثابتی اخذ می نماید که هرگز از تعادل خود خارج

۱. آل عمران: ۱۳۹.

نمی شود و دچار انحراف نمی گردد. او آنها را از این جهان فانی و محدود نمی گیرد بلکه آنها از سرچشمه وجود در درون او می جوشد. پس مادام که او با خدای انسانها و با میزان حق و با سرچشمه های هستی پیوند یافته است، چگونه در نفسش سستی و در قلبش حزن پیدا می شود؟».

۱۲. راه فقط این است

مصنف در این فصل با ذکر آیات سوره بروج به بحث در باره پیروزی عقیده بر طغیان پرداخته است. به اعتقاد او برای روشن شدن پیروز واقعی در نبرد ایمان و طغیان، باید از دید محدود دنیوی دست برداشته و نگاهی گسترده اخذ شود، باید دید که مومنان در قبال صبر و تحمل مشقتشان چه خدماتی بر عالم بشریت عرضه داشته و در تاریخ چگونه از آنان یاد می شود، باید دید که چگونه فرشتگان آنان را مورد تمجید قرار داده و به آنان می بالند، باید دید که چگونه در بهشت برین در سایه رضایت خالق مهربان منعم گشته و به نهایت درجه پیشرفت معنوی رسیده اند.

به اعتقاد سید قطب، زندگی دنیوی مومن با زندگی اخروی او و نیز زندگی فرشتگان مرتبط است، لذا فرد مومن افق گسترده تری در پیش روی خود می بیند و آرمان های بلندتری در نظر می گیرد، از اینجاست که دنیا و آنچه در آن است در نظرش حقیر و کوچک می گردد.

مصنف با استناد به سرنوشت اصحاب اخدود خاطر نشان می سازد که در مسیر دعوت به ایمان و عقیده نباید انتظار داشت که همیشه پیروزی دنیوی نصیب دعوت گران شود و چه بسا به رنج ها و مشقت های مانند رنج ها و مشقت های اصحاب اخدود گرفتار شوند. نکته دیگری که مصنف از داستان اصحاب اخدود استفاده می کند این است که: جنگ بین مومنین و دشمنان آنها جنگ عقیدتی است و نباید آن را با جنگ نژادی، سیاسی، اقتصادی و... اشتباه گرفت، به اعتقاد مصنف پیروزی زمانی نصیب مومنان خواهد شد که جنگ خود با دشمنان را جنگ اعتقادی بدانند و نه هیچ چیز دیگر.

برداشت نگارنده

قلم روان و جذاب، نوآوری و توجه به زوایای پنهان مباحث را می توان از نکات قوت کتاب به شمار آورد. اما باید توجه داشت که برخی مطالب عنوان شده در این کتاب، فاقد پشتوانه علمی بوده و به عبارت بهتر قابل دفاع علمی نیست. به عنوان نمونه تطبیق تاریخ عصر رسول گرامی اسلام ﷺ بر دوران زندگی سید قطب که وی بر این امر اصرار دارد، فاقد روش علمیست، چرا که تطبیق تاریخی مستلزم پذیرش قیودی است که بدون توجه به آنها، تطبیق دو مقطع تاریخی، غلط خواهد بود یا بهره‌ای ناچیز از حقیقت خواهد داشت. در نوشته‌های سید چنین پذیرشی مشاهده نمی شود، چرا که وی نه به وجه شباهت تصریح نموده و نه میزان انطباق را تعیین کرده است. تنها به نظر می‌رسد که وی فرض را بر این نهاده است که جامعه جاهلی وجه شبه این دو دوره باشد که آن نیز خالی از اشکال نیست.

آنچه از اشکالات محتوایی کتاب مهم‌تر است، این است که هرچند سید از عبارات چند پهلویی در ادبیات خود بهره برده است، اما باید توجه داشت که آنچه او ارائه می‌دهد، یک گفتمان است که باید مجموع آن را باهم دید نه اینکه به تکه‌هایی از سخنان او استناد کرد. به بیان واضح‌تر سلفیه جهادی سید قطب را مصادره کرده است.

سید در این کتاب بر توحید در حاکمیت تأکید دارد، تا جایی که تأثیرپذیری از دیگر نظام‌های حکومتی غیر از اسلام را نوعی شرک دانسته و حکومت افراد بر هم نوعان خود را قسمی از خدایی معرفی کرده است، اما چرا؟ و به چه انگیزه؟ جواب این است که سید جهان‌بینی اسلامی خود را از پشت میله‌های زندان‌های جمال عبدالناصر ترسیم می‌نمود و در جامعه‌ای زندگی می‌کرد که حکومت آن فاصله زیادی با اسلام داشت، از این‌رو گفتمان انقلاب را ضروری می‌دید و برای عملی کردن این گفتمان نیاز به تکفیر سیاسی و بزرگنمایی جنبه سیاسی اسلام به خصوص در حوزه حاکمیت داشت. در واقع سید با این بیانات به دنبال انگیزه‌سازی برای انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در ممالک اسلامی بود، نه اینکه حقیقتاً مقرر به شهادتین را در صورتی که به دنبال تشکیل حکومت اسلامی نباشد، مشرک و مهدورالدم بداند، آنگونه که سلفیه جهادی عمل می‌نماید.

فهرست منابع

۱. امینی، محمد امین، «اصل همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان در اسلام»، **ماهنامه علمی ترویجی معرف**، موسسه امام خمینی (ره) قم، سال بیستم، ش ۱۶۵، ۱۳۹۰ ش.
۲. سلیمانی، جواد، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر (ص)»، **فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی**، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، تهران، سال سیزدهم، شماره چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۳. کوپل، ژیل، **پیامبر و فرعون (جنبش‌های نوین اسلامی در مصر)**، ترجمه: حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
۴. لاکروا، ستیفان، **زمن الصحوة**، ترجمه: عبدالحق الزموری، بیروت: الشبكة العربية للأبحاث و النشر، چاپ سوم، ۲۰۱۳.